



عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَايِسُ»

الكافي، جلد ۱، صفحه ۲۶

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

آقای خوئینی‌ها! از کجا دیکته شده بود؟!!

شناسنامه مطلب	
کد مطلب	b-182
رده	بصیرتی / تحلیل / تحلیل‌ها / حوادث و وقایع
برچسب	تحلیل، خوئینی‌ها، حرف دشمن، رئیس‌جمهور، نظام اسلامی
توضیحات	

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

دیروز آقای موسوی خوئینی‌ها نامه سرگشاده‌ای خطاب به

رهبر معظم انقلاب نوشته و در آن به مسائلی اشاره کرده‌اند که اگرچه، با توجه به هوشیاری مثال‌زدنی ملت، درک میزان صحت آن به آسانی برای عموم مردم امکان‌پذیر است ولی نگارنده به دو علت، پرداختن به این نامه سرگشاده را ضروری تلقی می‌کند.

اول؛ آنکه ایشان در صدر نامه نوشته‌اند «مطالبی را در محضر ملت شریف ایران به استحضار عالی می‌رسانم» یعنی نگارنده نیز به عنوان یکی از آحاد ملت مخاطب نامه ایشان هستم و حق پرداختن به آن را دارم. دوم؛ اینکه نامه یاد شده همانگونه که در ادامه خواهد آمد، دقیقاً -تاکید می‌شود که دقیقاً- بازگویی آرزوهای برباد رفته دشمنان اسلام و انقلاب است و از این روی مخاطب نگارنده در این وجیزه، قبل از آنکه آقای موسوی خوئینی‌ها باشد، دشمنان بیرونی نظام هستند که اصرار دارند نظر ایشان را به قاطبه مردم ایران نسبت دهند! که البته در اولین دقایق بعد از انتشار نامه، با آب و تاب به همین سو رفته‌اند! و اما، درباره نامه یاد شده گفتنی‌هایی هست. ولی قبل از آن به این کلام حضرت امیر علیه‌السلام توجه کنید.

۱- در جریان جنگ جمل، طلحه و زبیر که از یاران امیرالمومنین علیه‌السلام بودند به تحریک معاویه (دقت کنید) آتش جنگ را برافروخته بودند. بهانه آنها خونخواهی عثمان بود و حال آنکه طلحه و زبیر به گواه همه مورخان از قاتلان عثمان بودند و در مقابل، حضرت امیر(ع) - بازهم به گواه تاریخ - فرزندان خود، امام حسن و امام حسین علیهما‌السلام را به دفاع از خلیفه سوم فرستاده بود. اینگونه بود که امیر مومنان(ع) درباره این دو فرمودند «إِنَّهُمْ لَيَطْلُبُونَ حَقًّا هُمْ تَرَكُوهُ وَ دَمًا هُمْ سَفَكُوهُ ...»

آنها حقی را مطالبه می‌کنند که خود وانهاده‌اند و خونی را می‌طلبند که خود ریخته‌اند!! حالا بخوانید و ببینید! چگونه آقای خوئینی‌ها تمامی مشکلات و بلاهایی که خود و دوستان هم حزب و گروهشان به مردم مظلوم این دیار تحمیل کرده‌اند را به کلیت نظام نسبت می‌دهند!

۲- آقای خوئینی‌ها خطاب به رهبر معظم انقلاب می‌نویسد: «در ذهن این مردم باورهایی که پشتوانه استحکام و نیز مقبولیت و مشروعیت نظام اسلامی بود به گونه‌ای روزافزون آسیب دیده و می‌بیند!» ایشان توضیح نمی‌دهد که این بی‌اعتقادی نسبت به اسلام و نظام و انقلاب است یا عملکرد برخی از مسئولان نظام؟! اگر بی‌اعتقادی نسبت به اصل نظام است، در مقابل ده‌ها نمونه اخیر که مردم با حضور چند ده میلیونی خود بر وفاداری و اعتقاد راسخ خویش به اسلام و انقلاب و مخصوصاً رهبر انقلاب تاکید ورزیده‌اند چه پاسخی دارند؟! مثلاً درباره

حضور

چند ده میلیونی ملت از همه طیف‌ها در سوگ سپهبد شهید

سردار سلیمانی چه پاسخی دارند؟! حمایت همه‌جانبه آنان از اقدامات نظام در مقابل باج‌خواهی آمریکا و متحدانش را چگونه تفسیر می‌کنند؟! و...

ما هم بر این باوریم که اعتقاد مردم آسیب دیده است اما اعتقادشان به کدام مقوله با آسیب روبه‌رو شده است؟! ۳- می‌نویسند: «بر زبان بسیاری از مردم در کوی و برزن و در برخی محافل و مجالس، سخنانی می‌رود که از عمق بی‌اعتقادی و بی‌اعتمادی نسبت به مدیریت کلان و مدیران کشور حکایت می‌کند!»! باز هم توضیح نمی‌دهند کدام مدیریت کلان مورد نظر ایشان است؟! کدامیک از مسئولان نظام صدها وعده به مردم داده‌اند که حتی به یکی از آنها نیز عمل نکرده‌اند؟! کدامیک از مدیران ارشد نظام هر روز یک دروغ تازه بر زبان آورده و حتی زحمت یک عذرخواهی خشک و خالی هم به خود نداده‌اند؟! اگر تصور می‌کنید که مردم این طیف از مسئولان دروغگو و لاف‌زن را نمی‌شناسند، خود را فریب داده‌اید و اگر می‌دانید که نام و نشان و مسئولیت این عده را می‌دانند، چرا جرأت بیان آن را ندارید؟!

۴- نوشته‌اند: « تورم روزافزون، همراه با کاهش درآمد اقشار گسترده، نه تنها زندگی امروز مردم را گرفتار دشواری‌های طاقت‌فرسا کرده که ناهنجاری در درون بسیاری از خانواده‌ها را گسترش داده و آنان را نگران آینده نامعلوم خود و فرزندانشان ساخته است. علاوه بر این مردم گرفتار در تلاطم زندگی و مشکلات طاقت‌سوز معیشتی، بسیاری از انسان‌های ناراضی از اوضاع فرهنگی و سیاسی که گرفتار بی‌عدالتی‌های غیرقابل انکار شده‌اند!»! جناب خوئینی‌ها! تورم روزافزون و کاهش درآمد اقشار گسترده را چه کسانی به مردم مظلوم این دیار تحمیل کرده‌اند؟! یعنی حضرت‌عالی نمی‌دانید که دولت تحت حمایت شما و حزب و گروه شما عامل اصلی همه این نابسامانی‌ها و پلشتی‌هاست؟!

ادعای دلسوزی شما برای فرزندان مردم این مرزو بوم، قبل از آنکه تعجب‌آور باشد خنده‌دار است! تعجب‌آور است چون بعید است شما از حضور فرزندان هم‌حزبی خود که با پول حاصل از دسترنج ملت در آمریکا و اروپا پرسه می‌زنند بی‌خبر باشید! و خنده‌دار است که این رخداد پلشت و سوء استفاده از بیت‌المال را به روی مبارک خود نمی‌آورید! راستی جناب خوئینی‌ها، برادران کدامیک از مسئولان بلندپایه و به شدت تحت حمایت جناب‌عالی پرونده‌های فساد اقتصادی میلیاردی دلاری دارند؟ نمی‌دانید یا تجاهر می‌فرمائید؟! دستکم می‌دانید فرزندان کدامیک از همین قماش در کار عتیقه هستند و با سوء استفاده از مسئولیت پدران خود بین ایران و اروپا و آمریکا هروله می‌کنند؟! یعنی شما از این موارد که همه عالم باخبرند، خبر ندارید؟! اگر اجازه بدهید نام و

نشان آنها را برایتان بازگو کنیم و از روابط آنها با شما و حزبتان پرده برداریم. اگرچه با توجه به اطلاع مردم از این پلشتی‌ها نیاز چندانی به این بازگویی نیست،

جز آنکه شاید باعث خجالت شما بشود!

آقای خوئینی‌ها! این جملات برایتان آشنا نیست؟!

«بی‌سواد، بی‌شناسنامه، مزدور، کاسب تحریم، کودک‌صفت، حسود، بزدل، ترسو، جیب‌بر، بی‌قانون، مستضعف فکری، بیکار، متوهم، غوطه‌ور در فساد، سوءاستفاده‌گر، خرابکار، عقب‌مانده، تازه به دوران رسیده، عصر حجر، هوچی‌باز، منفی‌باف، یأس‌آفرین، ناشکر، باید به جهنم بروند،

انقلابیون نفهم!، یک مشت لات!...»! اینها فقط بخشی از پاسخ رئیس‌جمهور تحت حمایت شما و حزبتان است که در مقابل انتقاد به گرانی و تحمیل فاجعه برجام و تورم افسارگسیخته و... نثار منتقدان کرده‌اند! راستی آقای خوئینی‌ها جنابعالی در آن هنگام کجا بودید که غیر از حمایت از دولتی که آن را در اجاره خود می‌دانستید، لام تا کام سخنی نمی‌فرمودید و کاغذ به نامه‌نگاری سیاه نمی‌کردید؟!

۵-نوشته‌اند «البته هنوز کم نیستند کسانی که اصلاح امور و تغییر وضع نامطلوب کنونی را از عالی‌ترین جایگاه مدیریت کشور انتظار می‌کشند. در چشم این خیل عظیم، اوضاع غیرقابل دوام امروز صرفاً معلول تصمیمات مدیرانی که می‌آیند و می‌روند نیست (که البته این آمدن‌ها و رفتن‌ها هم خارج از چارچوب اراده عالی و حاکم بر کل مقدرات کشور نیست). از نگاه مردم، شیوه مدیریت در بالاترین سطح، و قدرت نافذ آن، نقش‌آفرین اصلی در تمام یا اکثر مهم‌امور کشور است»!

این بخش از نامه یاد شده نکته‌ای افزون بر مطالب قبلی ندارد

غیر از اینکه در این بخش، به جان کلام و انگیزه اصلی خود از نگارش این نامه با صراحت بیشتری پرداخته است و آن «نامطلوب بودن وضع فعلی و ضرورت تغییر آن» است! این خواسته و آرزویی است که مقامات رسمی آمریکا دقیقاً با همین تعبیر خواستار آن بوده‌اند. توضیح آنکه بعد از فاجعه برجام و فشارهای اقتصادی ناشی از آن، جمهوری اسلامی ایران تصمیم قاطع گرفت که مسیر حرکت خود را بدون توجه به تحریم‌ها تعریف کرده و دنبال کند که مبارزه با مفاسد اقتصادی، تشکیل مجلس انقلابی و اقداماتی نظیر فروش بنزین به ونزوئلا، برقراری روابط تجاری با برخی از همسایگان، تکیه بر ظرفیت‌ها و امکانات داخلی و... از جمله آنهاست. این حرکت نظام برای آمریکا که اصرار بر فشار حداکثری بر ایران داشت نه فقط ناخوشایند که به گفته خود آنان (از جمله وزیر خزانه‌داری آمریکا و...) ناامیدکننده بود. تا آنجا که حتی صدای فاکس‌نیوز، شبکه تلویزیونی

پنتاگون و حامی سینه‌چاک ترامپ را نیز به هوا بلند کرده است. حالا خودتان قضاوت کنید، در این حال و هوا سخن از

«شرایط نامطلوبی که باید تغییر کند» چه مفهومی دارد و آیا تکرار آرزوی دشمنان نیست؟! اشتباه نکنید سخن از تغییر دولت نیست چرا که اولاً: دولتی با خصوصیات دولت‌های یازدهم و دوازدهم ایده‌آل موسوی خوئینی‌هاست و برای پایان دوره آن عزا گرفته‌اند و ثانیاً: دولت‌های یاد شده هرگز برای آمریکا خطرآفرین نبوده‌اند که بماند...!

۶- همین جا باید گفت که نگارنده قصد داشت به آقای خوئینی‌ها بگوید؛ قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دم خروس را ولی پشیمان شدم زیرا احترام ایشان برای حضرت عباس علیه‌السلام به جد مورد تردید است! می‌پرسید چرا؟! عرض می‌کنم، آقای خوئینی‌ها بعد از فتنه آمریکایی اسرائیلی ۸۸ به شدت از سوی مردم زیر سؤال بود که به عنوان یک روحانی، چرا در مقابل اهانت فتنه‌گران به ساحت مقدس امام حسین علیه‌السلام سکوت کرده و موضعی نگرفته است و به میرحسین موسوی عتاب نکرده است که چرا اهانت‌کنندگان را «مردمان خداجوی»! نامیده است. ایشان به این پرسش‌ها پاسخ نداد ولی ۲ سال بعد از فتنه ۸۸

در سایت شخصی خود نوشت که با حرمت‌شکنی روز عاشورا موافق نبوده است ولی برای پیشگیری از سوءاستفاده دیگران ترجیح داده است که مخالفت خود را علنی نکند!

در اظهارنظر ایشان دقت کنید. چه می‌بینید؟ آیا اظهارات وی مفهومی غیر از این دارد که آقای موسوی خوئینی‌ها، حفظ آبروی خود و قبیله مدعی اصلاحات را به دفاع از ساحت مقدس امام حسین (ع) ترجیح داده است؟! و آیا به کسی که برای شخصیت! خود بیشتر از ساحت امام حسین (ع) ارزش قائل است می‌توان درباره قسم حضرت عباس (ع) سخنی گفت؟!

۷- در همین فاصله که نامه ایشان منتشر شده و استقبال گسترده دشمنان را در پی داشته است، برخی از هم حزبی‌های بسیار نزدیک وی از تهیه و انتشار این نامه و مخصوصاً از اینکه نامه وی بازگوکننده آرزوهای آمریکاست به شدت ابراز نگرانی کرده و یکی از آنها نامه خوئینی‌ها را آخرین میخ به تابوت اصلاحات دانسته است. نگارنده در صورتی که این افراد اجازه بدهند - که امیدوارم بدهند - نام آنها را فاش خواهم کرد.

۸- آقای خوئینی‌ها در بخش دیگری از نامه خود به روش اداره کشور از سوی عالی‌ترین مقام نظام انتقاد کرده است که برای پیشگیری از

اطاله کلام پرداختن به آن را به فرصت دیگری می‌گذاریم و در این محدوده فقط به دو نکته کوتاه بسنده می‌کنیم. اول آنکه به یقین برای توده‌های عظیم مردم ایران و تمامی مسلمانان دلباخته انقلاب در سراسر جهان اسلام باعث افتخار است که امثال شما با مدیریت ایشان موافق نباشید و با شخصیت برجسته‌ای که طی سه دهه پوزه دشمنان را به خاک مالیده و از جان و مال و ناموس مردم حفاظت کرده است مخالف باشید. شخصیتی که حتی دشمنان تابلودار هم علی‌رغم کینه‌های دیرینه نمی‌توانند توانمندی و ده‌ها خصوصیت برجسته و بی‌نظیر ایشان را نادیده بگیرند و ثانیاً درباره مدیریت جنابعالی اگرچه گفتنی‌های فراوانی هست که به آن خواهیم پرداخت ولی فقط به عنوان یک نمونه به تفسیر تحریف شده شما از قرآن در مسجد جوزستان اشاره می‌کنیم که با اعتراض شدید دانشمندان دینی از جمله شهید مطهری روبه‌رو شد و جنابعالی را از خطر تفسیر بی‌مایه و تحریف شده قرآن بر حذر داشتند که البته توجه نکردید و نهایتاً یکی از شاگردان دست پرورده شما اکبر گودرزی بود که استاد مطهری را شهید کرد و دیگری شهید مفتاح را ... این قصه سر دراز دارد... ۹- و بالاخره، انتظار از خوانندگان آن است که یک بار هم که شده نامه آقای خوئینی‌ها را بخوانند و اگر فقط یک نکته -تاکید می‌شود که فقط یک نکته- از آن را با خواسته‌های رسماً اعلام شده آمریکا و اسرائیل متفاوت یافتند، نگارنده را هم بی‌خبر نگذارند.

نویسنده: آقای حسین شریعتمداری